

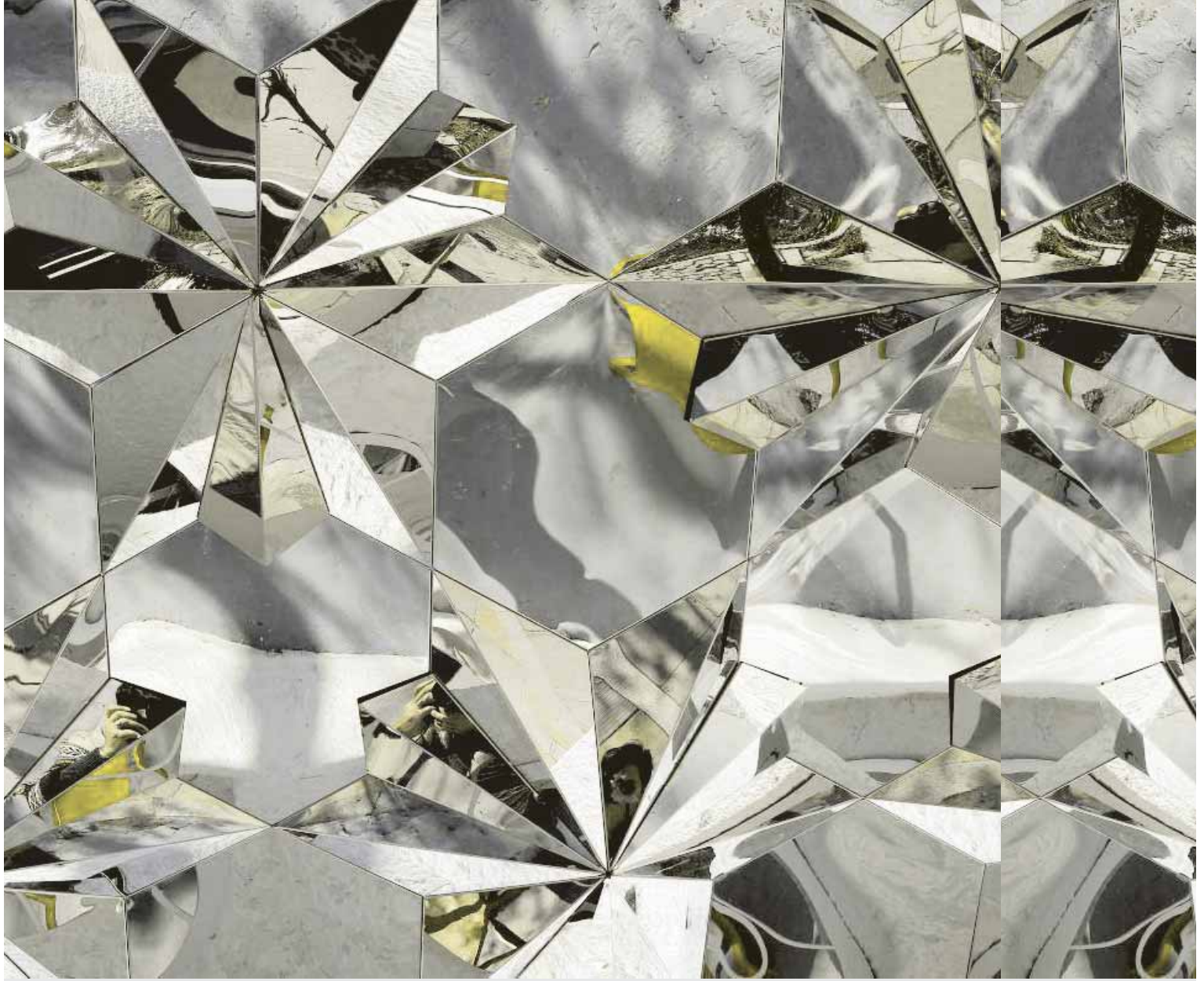
خانه تکانی دل

دکتر علی اصغر احمدی

حال که چنین است، به شکرانه یک سال حیات دوباره، که خداوند کریم نصیبت کرده، بر خیز و به خانه دل سربزن. بر خیز که در قیامت، دل پاک از تو می‌خرند و لاغیر: یوم لاینف مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم [شعرا، ۸۹-۸۸]

بیایید امسال پاکسازی دل و خانه تکانی زبان را، از ظاهر تا باطن، در اولویت قرار دهیم. زبان، این مُضغّه به ظاهر کوچک، درختی است که ریشه‌هایش تا مغز و قلب کشیده شده است؛ میوه آن در «هوا» و از جنس هواست. میوه‌ای که گاه تلخ‌تر از حنظل است و گاه شیرین‌تر از دیدار یار دلنشین و دل آرام؛ و گاه نیز بی‌مزه‌تر از جنس خود یعنی هوا. ما باید میوه‌های شیرین آن را، که جان‌بخش و روح‌افزاست، و حتی میوه‌های بی‌مزه آن را رنگی از طراوت و تازگی ببخشیم تا برکت یابد؛ و میوه‌های تلخ آن را نیز باید سترون کنیم تا ریشه‌های آن‌ها در قلب و مغز سوزانده شوند. و این درسی است که از بهار باید آموخت!

بهاری دیگر رسید؛ بهاری که یادش نیز موجب اهتزاز روح است و طراوت جان به ارمغان می‌آورد. پاکی، زندگی، درخشندگی و امید همگی تحفه‌های بهارند که حتی یاد کرد بهار، حامل آن‌هاست. پس بیاییم با هر بیداری، در پس خواب شبانه، بهاری نورابیاغازیم. ایرانیان با خانه‌تکانی به استقبال بهار و نوروز می‌روند. خانه‌تکانی می‌تواند استعاره‌ای باشد از بازنگری در قلب و اندیشه؛ می‌تواند آورنده این پیام نغز باشد که: ای عزیزی که گرد و تیرگی از «جسم» خود می‌زدایی، آیا نمی‌خواهی جان را در چشمه بیداری و معرفت، شست و شو دهی؟ آیا نمی‌خواهی سری به خانه دل بزنی و زنگار غفلت از آن بزدایی؟ آیا نمی‌خواهی رفتار و گفتار، افکار و آراء و عواطف و احساسات درونت را تکانی بدهی و زنگارهای کهنگی را، و آنچه را که غبار زمان در خود مدفون کرده است، و هر آنچه را که دزدانه، و به دور از چشمان نگهبان عقل و آگاهی، به شخصیت و ساکله‌ات آویخته است از خود بزدایی؟!؟



آن را به روشنی به سامان نمی‌رسانیم، و چه بسیار سخنان که تنها برای خالی کردن عقده‌ها و عصبیت‌هایمان، آن‌ها را بر ذهن و قلب زبردستان تحمیل می‌کنیم و نمی‌دانیم که این کلمات چگونه عقده‌هایی چرکین خواهند شد و در عمق جان آنان، برای همیشه، نفوذ خواهند کرد. بیایید با خود بگوئیم اگر گل نیستم، خاری نباشم و اگر قند نیستم زهری نباشم.

ما همه مشاوریم؛ مشاوریم و می‌دانیم مشاوران، که تأمین بهداشت روانی خود و دانش‌آموزانشان، از اولین و بنیادی‌ترین وظایف آنان است، باید به نقش گفتار و زبان در تنظیم روابط سالم با دیگران به خوبی واقف باشند. گفتار رایج بین ما ایرانیان در نقاطی احتیاج به بازنگری و دقت دارد و چه بسیار مفید خواهد بود که دانش‌آموزان از نوجوانی به گردنه‌های خطر خیز زبان، واقف شده و از آن‌ها به سلامت عبور کنند.

سردبیر

بیایید سری بزنیم به آنچه از حفرهٔ دهان، با چرخش زبان در این سال و سال‌های گذشته، در هوا پراکنده‌ایم و چه بسا آن را چون آتشی بر قلب‌های دیگران نهاده‌ایم. نگاهی کنیم به کلماتی که محمل کینه‌های ما بوده‌اند؛ نگاهی کنیم به کلماتی که حامل و کزآوهٔ تحقیرها، توهین‌ها، تمسخرها، عقده‌گشایی‌ها و عصبیت‌های ما بوده‌اند. نگاهی کنیم بر بیپوده‌گویی‌هایمان؛ نگاهی کنیم بر یاه‌سراییه‌ها و ژاژ‌خایی‌هایمان؛ نظر کنیم بر جدال‌ها، مراء‌ها، لطیفه‌ها و شوخی‌هایمان. بیایید در فصل بهار، کلمات، این هواهای برآمده از فضای حلق و دهانمان را تکانی بدهیم؛ بیایید زبان را بتکانیم. بیایید زبان را از زواید پاک سازیم. بخشی از فرهنگ گفتاری ما ایرانیان، به‌ویژه گفتاری که با غریبه‌های دور و یا هم‌نشینان بسیار نزدیک داریم، مشحون است از زواید آزارگر و زحمت‌آفرین. چه بسیار سخنان که نباید بر زبان آوریم و می‌آوریم؛ چه بسیار سخنان که نیمه‌کاره رها می‌کنیم و